

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۰، بهار ۱۴۰۱  
صفحات: ۲۱۰-۱۹۹  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

## نقش انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب

علی نقی لو \*

### چکیده

انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف با نظریه های انقلابی در هم آمیخته است. انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ ایران، به نام خدا، تلفیق ایدئولوژی های مذهبی و انقلابی را به نمایش گذاشت و یک ایدئولوژی انقلابی «قرآنی» را شکل داد. این انقلاب بر نقش محوری ایدئولوژی، به ویژه دکترین حکومت اسلامی امام خمینی (ره)، در تبدیل هدف گروهی مخالف از اصلاحات به انقلاب و منجر به تأسیس دولت نوین اسلامی تأکید کرد. انقلاب اسلامی به عنوان یک تحول مهم در تاریخ سیاسی ایران نقش مهمی در نظریات سیاسی انقلاب دارد که درخور بررسی است. انقلاب اسلامی با ارائه دیدگاه های منحصر به فرد در زمینه امکان، شرایط و شرایط تحول انقلابی، نقش بسزایی در نظریه های مفهومی حوزه انقلاب دارد. محققان انقلاب اسلامی را در چارچوب وسیع تر جنبش های انقلابی جهانی تحلیل کرده اند و تأثیر آن را بر تحولات اجتماعی و ساختارهای سیاسی برجسته کرده اند. سوال پژوهش حاضر این است که نقش انقلاب اسلامی در نظریات مفهومی حوزه انقلاب چیست؟ یافته های پژوهش نشان می دهد انقلاب اسلامی به عنوان بخشی از یک پدیده فراملی مورد بررسی قرار گرفته است که نشان می دهد چگونه ایدئولوژی ها و شبکه های انقلابی از مرزهای ملی فراتر رفته و بر سیاست جهانی تأثیر می گذارند. علاوه بر این، مفهوم انقلاب ذهنی در تعلیم و تربیت اسلامی بر اهمیت تغییرات ذهنی در جوامع برای پیشبرد پیشرفت و رفاه ملی تأکید دارد. به طور کلی، انقلاب اسلامی به چارچوب های نظری و بحث های متنوع پیرامون فرآیندهای انقلابی در دنیای مدرن کمک می کند. در این پژوهش از روش پژوهش کیفی استفاده شده است و داده های پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی جمع آوری شده است.

### کلید واژه ها

انقلاب، نظریات انقلاب، جمهوری اسلامی، ایدئولوژی، جامعه شناسی انقلاب.

## مقدمه

بررسی آثار و نتایج انقلاب‌ها یکی از حوزه‌های بحث برانگیز جامعه‌شناسی انقلاب است، به طوری که برخی از محافظه‌کاران ادعا می‌کنند که انقلاب‌ها هیچ اثر مثبت و ارزشمندی ندارند، فقط برای مدتی روند عادی توسعه جامعه را متوقف می‌کنند و به آن آسیب برساند بنابراین باید از بروز آنها جلوگیری کرد. از سوی دیگر، اکثر انقلابیون مدعی هستند که انقلاب‌ها می‌توانند تغییرات اساسی و اساسی در ساختارهای جامعه ایجاد کنند و جامعه‌ای مطلوب را جایگزین جامعه قبلی کنند. عده‌ای نیز در این میان هستند که در مورد عواقب انقلاب‌ها واقع‌بینانه‌تر قضاوت می‌کنند. کمیت و کیفیت تغییرات ایجاد شده توسط انقلاب‌ها را متغیر می‌دانند و آن را از انقلابی به انقلاب دیگر متفاوت می‌دانند و علل آن را بررسی می‌کنند. می‌توان گفت جنبه‌های درونی و بیرونی انقلاب‌ها یکی از حوزه‌های مهم بررسی انقلاب‌ها است.

عده‌ای انقلاب را تلاشی اتوپیایی برای ایجاد نخبگان جدید و یافتن تحرک اجتماعی برای توده‌ها می‌دانند. از سوی دیگر، افرادی جمهوری اسلامی را گسست آشکار از جامعه و حرکت به سمت ایجاد حکومت دینی اسلامی می‌دانند. انقلاب جهشی عظیم در یک روند تکاملی تحولات سیاسی و «انقلاب‌هایی به نام اسلام و تشکیل دولت» از «انقلاب سفید» دارای جلوه‌های روشنی در تقلید از اصلاحات ارضی در اوایل حکومت اسلامی تا تلاش‌های نافرجام بود. در ایجاد «جمهوری» در قالب آموزه‌های اسلامی اولیه شورا و انتخاب زیان‌فصلیتی غیر قهری مطرح گردید.

وقوع غیرمنتظره انقلاب اسلامی شوک مهمی به جامعه‌شناسان انقلاب و نظریه پردازان آن وارد کرد. به عنوان مثال، اسپوزیتو می‌نویسد: "نحوه وقوع انقلاب اسلامی همه را شگفت زده کرد. سیاستمداران و محققان تلاش کردند تا وضعیت بسیار سیال و پیچیده‌ای را که بخش‌های بزرگی از جهان را تحت تاثیر قرار داده است درک کنند. اگرچه نتیجه چنین تلاشی اغلب ساده‌سازی این واقعیت پیچیده بوده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۵).

مفروضات متعددی در عنوان این مقاله در مورد نقش انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب وجود دارد. اول این که انقلاب اسلامی منحصر به فرد است یا حداقل در ذاتش با سایر انواع انقلاب متفاوت است. این فرض بر این باور است که مجموعه‌ای از آرمان‌ها و هنجارهای اسلامی در جهان اسلام و مهمتر از همه در میان علما در نظم اجتماعی و سیاسی مناسب وجود دارد. اینها از مفاهیم مبهم عدالت اجتماعی و مشورت در یک انتهای مقیاس گرفته تا دستورات بسیار خاص در مورد موضوعاتی مانند الزام حاکم به مرد بودن و مسلمان بودن تا رد آشکار دخالت روحانیون در روند سیاسی را شامل می

شود. اسلامی بودن انقلاب در داخل ایران و علمای اسلام و انقلاب ایران محل اختلاف بوده است. فواد عجمی استدلال کرده است که عنصر اسلامی اتفافی بوده و در اصل انقلاب سیاسی و اقدامی انقلابی «مدرنیستی» با هدف تغییر روابط اجتماعی و قدرت در ایران بوده است.

انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ رویداد مهمی بود که نه تنها مسیر تاریخ ایران را تغییر داد، بلکه تأثیرات مهم و ماندگاری بر جهان گسترده‌تر، به‌ویژه در جهان اسلام داشت. تلاش اخیر و هنوز ناتمام برای نهادینه کردن چنین نظم اسلامی، ادبیات گسترده و بحثی جدی را در میان متفکران دینی درباره ماهیت بنیادی یک جامعه «اسلامی» ایجاد کرده است. دستاوردهای عدالت اجتماعی و شواهد مشارکت مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری معنادار است. این مضامین، تلاش برای درک انقلاب اسلامی و شکاف بین آرمان و واقعیت، محتوای این جستار را تشکیل می‌دهد. به هرجهت در این بررسی سعی بر این است تا به این سوال پاسخ دهد که نقش انقلاب اسلامی در نظریات مفهومی حوزه انقلاب چیست؟

### نظریه پردازی انقلاب‌ها

بسیاری از نظریه پردازان انقلاب نیز به نارسایی نظریه‌های موجود در تبیین انقلاب اسلامی اذعان داشته و سعی در اصلاح نظریات موجود و یا طرح نظریه‌های جدید داشته‌اند. بررسی انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی در علوم اجتماعی است. وقوع انقلاب‌ها در جوامع زمینه مناسبی را برای تحقیقات علمی، طراحی، آزمایش و اصلاح نظریه‌های انقلاب ایجاد کرد. تا چند دهه پیش توجه نظریه پردازان انقلاب به بررسی انقلاب‌های بزرگ معطوف بود، اما ظهور انقلاب اسلامی در ایران و پیامدهای آن، وقوع ناآرامی‌ها، شورش‌ها و در نهایت انقلاب‌ها در کشورهای مختلف به ویژه در جهان سوم مبنای ارزیابی قرار گرفت. تئوری‌های موجود در مورد انقلاب را دوباره ارائه کنید. بی‌شک خیزش گسترده مردمی در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ که به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران انجامید، نظریه‌های موجود درباره انقلاب را در حاله‌ای از ابهام فرو برد. این مقاله مروری کوتاه بر رویکردها و نظریات مختلف در مورد انقلاب دارد.

به طور خلاصه، نظریه‌های اصلی انقلاب را می‌توان به نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی تقسیم کرد. فرض اساسی همه نظریه‌های انقلاب این است که آیا اصل در جوامع بشری ثبات و تغییر است، دگرگونی و تعارض موقتی است یا برعکس، تعارض اصل است و ثبات موقتی است؟ مارکس از

جمله کسانی است که تضاد را موتور محرکه جوامع بشری می‌داند و در نتیجه به گفته وی ثبات چیزی است که جوامع انسانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طور کلی، سایر نظریه پردازان، ثبات را در جوامع بشری اصل و تعارض را نقطه مقابل آن می‌دانند. از جمله نظریه های مطرح شده در حوزه انقلاب، نظریه «جامعه توده ای» است که در این مقاله به تشریح آن می‌پردازیم:

تئوری جامعه توده ای توسط خانم هانا آرنت و آقای ویلیام کورنهایزر ارائه شد. این نظریه یکی از نظریه های کارکردگرایی است. به طور کلی از دیدگاه نظریه پردازان کارکردگرا، ساختارهای خاصی در جامعه موجب ثبات دائمی آن می‌شود و تا زمانی که این ساختارها و به اصطلاح آرایش های ساختاری خاص بر جامعه حاکم باشد، مشکلی در جامعه وجود نخواهد داشت. اما زمانی که این ترتیبات ساختاری جامعه از بین برود، احتمال وقوع انقلاب توده‌ای در جامعه افزایش می‌یابد و پس از آن، احتمال استقرار حکومت و رژیم توده ای (توتالیتار) افزایش می‌یابد.

ویلیام کورنهایزر، نظریه پرداز جامعه توده ای، در کتاب سیاست جامعه توده ای (۳) چنین جامعه ای را نظامی اجتماعی می‌داند که در آن گروه ها و نخبگان برجسته به راحتی در معرض نفوذ توده ها قرار می‌گیرند و توده ها نیز مستعد بسیج می‌شوند. گروه های اجتماعی برجسته بسیج توده‌ها به میزان وابستگی اعضای جامعه که فاقد همبستگی و تعلق هستند به گروه های مستقل، گروه های محلی، جمعیت‌ها و انجمن‌های آزاد، احزاب و گروه‌های شغلی بستگی دارد. گسستگی روابط شخصی افراد و نیز گسترش سازمان های اداری و قضایی و گروه های واسطه بین افراد و دولت از دیگر ویژگی های جامعه توده ای است. در چنین شرایطی احتمال حرکت توده ای افزایش می‌یابد.

طبقات اجتماعی پایین جامعه نیز به شدت از جنبش های توده ای حمایت می‌کنند. این طبقاتی هستند که کمترین روابط اجتماعی را در بین اعضای خود دارند. اما از آنجایی که طبقات اجتماعی موجود در جامعه از هم جدا شده و همبستگی و انسجام اجتماعی خود را از دست داده اند، بنابراین تقریباً از میان اقشار مختلف جامعه، افرادی مانند روشنفکران غیر وابسته یا حاشیه نشین در میان شرکت کنندگان در جنبش توده ای یافت می‌شوند. بازرگانان و کشاورزان و کارگران منزوی که به هیچ یک از طبقات موجود در جامعه تعلق ندارند. در طول بحران، آنها درگیر جنبش توده ای هستند. کوچکی افراد که نتیجه از دست دادن وابستگی و تعلق به گروه و همبستگی اجتماعی افراد است، آنها را برای پذیرش ایدئولوژی های جدید که جایگزین همبستگی گروهی از دست رفته می‌شود آماده می‌کند.

یکی از مفاهیم اساسی این نظریه «جرم» است. آرنت «جمعیت» را جمعیتی بی شکل می‌داند که از افراد مجزا تشکیل شده و فاقد هویت مشترک، حس علائق و آگاهی فردی است. آرنت جامعه توده

ای را جامعه ای می داند که در آن توده ها حول محور هیچ منافع عمومی یا طبقاتی یا گروهی جمع نمی شوند؛ زیرا توده ها مجموعه ای از افراد گمنام و بی تفاوت بیش نیستند. به نظر او آنچه باعث پیدایش جامعه توده ای می شود فروپاشی مرزهای طبقاتی است. به همین دلیل، آرنست گاهی به جای واژه جامعه توده ای، از اصطلاح جامعه بی طبقه استفاده می کند.

از دیگر رهیافت ها، رویکرد روان شناختی به انقلاب به فرد و برداشت های او از موقعیت اجتماعی یا شخصیت خاص یک فرد توجه دارد که می تواند باعث طغیان و یا تبدیل شدن او به فردی انقلابی و فعال شود. عمدتاً رویکرد روان شناختی را می توان به چهار گروه زیر تقسیم کرد:

۱- مطالعاتی که به کارنامه انقلابیون می پردازد.

۲- نظریه افزایش انتظارات.

۳- نظریه محرومیت نسب.

۴- نظریه سرکوب غرایز.

شرح سه نظریه مارکس، جانسون، آرنست و هاوس از جمله نظریه های جامعه شناختی در حوزه انقلاب. در ادامه نگاهی کوتاه به نظریه های روان شناختی انقلاب خواهیم داشت:

### تئوری افزایش انتظارات

الکسی دو تو کوپیل (۱۸۰۵-۱۸۵۹)، متفکر فرانسوی، این نظریه را در مورد انقلاب ارائه کرد. وی می پرسد: چرا در فرانسه در شرایطی انقلاب می شود که با توجه به اینکه فرانسه بخشی از اروپاست، نهادهای نظام سنتی و قدیمی در اروپا در حال فروپاشی و نابودی هستند؟ او تبیین مظاهر اصلی را دنبال می کند که وقایع فرانسه را توضیح می دهد. تحلیل او از جامعه قبل از انقلاب فرانسه، جامعه ای فاقد آزادی و عدالت است که حکومت آن به شدت تضعیف شده و فرانسوی ها در موقعیتی نبودند که بتوانند برای مشکلات خود راه حلی بیابند. نخبگان و کارگزاران جامعه فرانسه ضمن عدم تفاهم با یکدیگر، در مورد نحوه اداره حکومت در این کشور نیز اختلاف نظر داشتند. در پرتو فقدان آزادی سیاسی در جامعه فرانسه، احساس همبستگی را از آنان سلب کرد و به دلیل وجود نهادهای سنتی در جامعه فرانسه، نتوانستند خود را با شرایط جدید اجتماعی وفق دهند. بنابراین، وجود جنبش های دموکراتیک جدید از یک سو و مقاومت نهادهای سنتی از سوی دیگر و عدم انطباق آنها با شرایط اجتماعی جدید، فرانسه را با خطر بحران انقلابی مواجه کرد.

در نظریه دوتوکویل، نکته جالب در مورد افزایش گسترده احساس شادی، وجود قوانین و سنت های قدیمی بود که مانع رشد اقتصادی جامعه جدید فرانسه می شد. بنابراین، نظام حکومتی ناکارآمد و قدیمی بود، اما چون توانست دو وظیفه اساسی خود را انجام دهد، توانست به حیات خود ادامه دهد: اولاً، در حالی که دولت مستبد نبود، اما همچنان توانایی حفظ نظم در سراسر کشور را داشت. ثانیاً کشور دارای طبقه بالایی بود که بالاترین و درخشان ترین طبقه عصر خود محسوب می شد و دارای نظم اجتماعی بود. اما با وجود افزایش رفاه و تمایل دولت به کاهش محدودیت های مردم، آنها راضی یا خشنود نبودند و برعکس، دشمنی روزافزون با رژیم داشتند. زیرا رژیم قدیمی و قرون وسطایی به حساب می آمد. یکی دیگر از دلایل انقلاب در جامعه فرانسه، بهبود وضعیت اقتصادی مردم آن کشور بود.

### ارزیابی تئوری افزایش انتظارات

به طور کلی می توان نظریه «افزایش انتظارات» را به صورت زیر ارزیابی کرد:

۱- خلاصه این نظریه این است که اگر یک حکومت سرکوبگر و خودکامه به ظلم و ستم خود برای مدت طولانی ادامه دهد، جامعه از ثبات سیاسی برخوردار می شود و بحران انقلاب در آن رخ نمی دهد، در حالی که اولاً عوامل ثبات. جامعه ای غیر از سرکوب است. عواملی مانند تأمین رفاه و نیازهای مردم و پاسخگویی به موقع به انتظارات آنان از جمله عوامل ثبات یک جامعه است. ثانیاً، تجربه تاریخ جوامع بشری نشان می دهد که معمولاً حکومت های سرکوبگر و خودکامه دوام ندارند و دیر یا زود سرنگون خواهند شد.

۲- در پاسخ به دیویس که می گوید: «اگر ابتدا توقعات در جامعه ای رخ دهد، سپس مردم از آن محروم شوند، این امر موجب بحران انقلاب می شود»، به نظر می رسد چنین چیزی کلی نیست، بلکه صرفاً بی اعتنایی به مردم است. میل و نیازهای آنها و عدم توجه به آن دلیل ظهور انقلاب است.

۳- آنها معتقدند که کاهش فشارهای رژیم پس از یک دوره طولانی سرکوب باعث تضعیف حکومت می شود. این همیشه درست نیست. زیرا آنچه دولت را پایدار و پایدار نگه می دارد، توانایی آن در مقابله با شورش ها است، نه سرکوب طولانی مدت. بله، در یک مورد، اگر کاهش فشار رژیم ناشی از افزایش قدرت و قدرت شورشیان باشد، زمینه برای ظهور انقلاب فراهم می شود، اما کاهش چند برابری فشار رژیم حکومت به عوامل دیگری غیر از قدرت بالای شورشیان یا تضعیف رژیم بستگی دارد که در این صورت امکان وقوع انقلاب بعید است.

### نظریه محرومیت نسبی

این نظریه پس از ناآرامی‌های داخلی در آمریکا در اوایل و اواسط دهه ۱۹۶۰ ظهور کرد. نظریه پردازان این نظریه آقایان گار، ایوو، فیرابند، نسولد هستند که در پی تبیین علل اختلافات داخلی و تغییرات اجتماعی بودند. این نظریه پردازان محرومیت نسبی را که عامل اصلی درگیری و انقلاب خشونت آمیز مدنی است، ناشی از شکاف و تفاوت بین ارزش‌انتظارات و قابلیت‌های ارزش‌جمعی می‌دانند. به گفته کوهن، گار انتظارات ارزشی را آن دسته از کالاها و شرایط زندگی می‌داند که مردم خود را به طور موجهی مستحق آن می‌دانند. قابلیت‌های ارزشی نیز به چیزهایی اشاره دارد که باید عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی جستجو شوند: شرایطی که شانس‌های خیالی افراد را در زمینه یادگیری یا حفظ ارزش‌هایی که مردم به‌طور مشروع و مشروع انتظار دارند به دست آورند را تعیین می‌کند.

در واقع وقتی افراد در یک محیط و بستر اجتماعی خاص به طور قانونی حق استفاده از امکانات خاصی را دارند، در عین حال به هر دلیلی از آن محروم می‌شوند، در این صورت دست به خشونت مدنی می‌زنند. بنابراین، این درگیری شدید ناشی از شکاف بین خواسته‌ها و انتظارات آنهاست. جیمز دیویس و تدگر به موضوع محرومیت نسبی پرداختند. افول ناگهانی رشد اقتصادی و فرصت‌های پیشرفت اقتصادی اجتماعی باعث تنزل امیدها و انتظارات افراد می‌شود و دست به اعتراض می‌زنند و فقط کافی است این موضوع را حس کنند به جای اینکه تجربه کنند.

انقلاب اسلامی نه تنها ایران بلکه کل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده بود. این دورانی بود که موفقیت جهاد را امری گذشته می‌دانستند. دورانی که نفی سکولاریسم، مدرنیسم و دموکراسی در میان کشورهای به اصطلاح اسلامی در اوج بود. تنها امید برای احیای اسلام، اجرای شعار «اسلام راه حل است» بود و تنها الگوی موفق را تشکیل دولت پان اسلامی می‌دانستند. همان‌طور که امید در حال محو شدن بود، انقلاب اسلامی به‌عنوان زمان و مقطعی طراحی شد که خواست خداوند برای احیای اسلام بود. این یک رویداد واحد ثابت کرد که نور انتهای یک تونل تاریک و طولانی است که به بازگشت اسلام و ایدئولوژی‌های اساسی آن می‌پردازد که توسط غرب رد شده بود. به همین دلیل است که انقلاب اسلامی سهمی حیاتی در «ایده‌های انقلابی» دارد. انقلاب اسلامی نه تنها ایران بلکه کل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده بود. این دورانی بود که موفقیت جهاد را امری گذشته می‌دانستند. دورانی که نفی سکولاریسم، مدرنیسم و دموکراسی در میان کشورهای به اصطلاح اسلامی به اوج خود رسیده بود. تنها امید برای احیای اسلام، اجرای شعار «اسلام راه حل است» بود و تنها الگوی موفق، تشکیل دولت پان اسلامی بود. همان‌طور که امید در حال محو شدن بود، انقلاب اسلامی

به‌عنوان زمان و مقطعی طراحی شد که خواست خداوند برای احیای اسلام بود. این یک رویداد واحد ثابت کرد که نور انتهای یک تونل تاریک و طولانی است که به بازگشت اسلام و ایدئولوژی‌های اساسی آن می‌پردازد که توسط غرب رد شده بود. به همین دلیل است که انقلاب اسلامی سهمی حیاتی در «ایده‌های انقلابی» دارد.

### نقش انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب

انقلاب اسلامی با در هم آمیختن ارزش‌های دینی و ملی، ترویج دموکراسی و تأکید بر کرامت انسانی، نقش بسزایی در شکل‌گیری اندیشه‌های انقلابی ایفا می‌کند. انقلاب جایگاه کشور را در سیاست داخلی و خارجی تغییر داد. در داخل کشور، گروه انقلابیون به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی، مخالفان خود را با توانایی خود در ربودن سریع و اداره امور کشور متحیر کردند.

انقلاب اسلامی ایران ضمن تخریب ساختار یک نظام ۲۵۰۰ ساله و برهم زدن ساختار حکومت و حکومت شاهان، میدانی جدی برای آزمون نظریه‌های رایج و متعارف در علوم اجتماعی بود. ابعاد این انقلاب بسیار گسترده‌تر از آن چیزی بود که در ابتدا به نظر می‌رسید. این انقلاب تنها به دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک رژیم محدود نشد، بلکه پایه‌های کاخ رفیع دانش اجتماعی را به لرزه درآورد و علاوه بر این که درس عبرتی برای جنبش‌های اجتماعی در سایر کشورها و جنبش‌های آزادی‌بخش در میان مردم بود. توجه مسلمانان به این نظریه دانشمندان علوم اجتماعی را نیز به خود جلب کرد.

تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریه‌های علوم اجتماعی موضوعی است که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته و تامل جدی در آن صورت نگرفته است. در این مقاله سعی بر آن است تا این تأثیر را بر برخی از نظریه‌های رایج و دانشگاهی مرتبط با نظریه انقلاب‌ها در حوزه علوم اجتماعی بررسی کنیم و ببینیم انقلاب اسلامی چگونه در نظریه‌های ساختارگرایانه شکاف ایجاد کرده و آن را به یک ناهنجاری تبدیل می‌کند. به طور غیرعادی، و چگونه جامعه‌شناسان وابسته به این نظریه‌ها این نقص را در آن ترمیم کردند. در پایان به اختصار به برخی دیگر از آثار دانشگاهی انقلاب اسلامی در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی اشاره می‌کنیم.

بی‌تردید هر نظریه‌پردازی در برخورد با یک تحول اجتماعی و سیاسی، ابتدا سعی می‌کند تا ضمن تطبیق نظریه‌های خود بر آن پدیده، آن را تحلیل کند. اگر نظریه‌ای در تحلیل موفق باشد، آن دگرگونی اجتماعی یکی از دلایل آن محسوب می‌شود. اما اگر این نظریه نتواند آن تحول اجتماعی را

تحلیل و تبیین کند و دامنه آن بر اساس رویداد تنگ یا گسترده شود، این پدیده اجتماعی یکی از ابطال‌های نظریه می‌شود و راه حل‌اندیشی آغاز می‌شود.

اگرچه به گفته لاکاتوش، تاریخ علم نشان می‌دهد که این گونه نیست که نظریه پردازان در رسیدگی به موارد باطل از اعتقاد خود به آن نظریه دست برداشته باشند، بلکه با لغو پی در پی و تعمیرات و اظهار نظرهای مناسب سعی در اصلاح آن دارند و توانایی را به نظریه برمی‌گرداند. در اینجا تنها نگاهی گذرا به این حوزه خواهیم داشت و بحث مفصل را به جای دیگری واگذار می‌کنیم. در حوزه مطالعات تطبیقی در انقلاب‌ها، در این زمینه مقایسه‌ای بین انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها صورت گرفته و اشتراکات یا تفاوت‌های آنها بیان شده است.

مقایسه انقلاب ایران و انقلاب نیکاراگوئه (که همزمان بودند). انقلاب ایران و الجزایر انقلاب ایران و نیجریه اینگونه است.

بررسی‌های فنی در مورد انقلاب. برخی از افرادی که در مورد انقلاب‌ها تحقیقات فنی و ابزاری انجام می‌دهند به انقلاب اسلامی نیز توجه داشتند. روش بسیج توده‌ای، سازماندهی تظاهرات در شهرها، رابطه عناصر انقلابی و همچنین نحوه برخورد رژیم شاه با این امور، مواردی است که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه صداقت برخی از این محققین محل تردید است، زیرا معلوم نیست از این درس‌ها برای سرکوب جنبش‌های اجتماعی و آزادیبخش و شاید سازمان‌های امنیتی برای مقابله و ارتقای سطح مهارت‌های خود در فعالیت‌های ضد شورش استفاده نمی‌شود. این نوع تحقیق مهم است.

کتابی به نام انقلاب کبیر و رسانه‌های کوچک نوشته خانم سربارانی محمدی یکی از این آثار است. در این کتاب به استفاده از منابع کوچک مانند نوار کاست، اعلامیه، شعار دیواری و ... توسط نیروهای انقلابی در مقابله با رژیم‌هایی که از تمامی ابزارهای تبلیغاتی و ارتباطی برخوردار است، پرداخته شده است. اخیراً (۱۹۹۶) دو مقاله در مجله آمریکایی جامعه‌شناسی (ASR) درباره روش بسیج توده‌ای در انقلاب ایران منتشر شده است.

تأثیر انقلاب اسلامی در بحث‌های تحت عنوان اصولگرایی. بحث در مورد اصولگرایی شیعه ویژگی‌هایی دارد؛ آیا نوستالژیک است یا واقع‌بینانه، سنتی است یا آینده‌نگر؟ از جمله این موضوعات است. اخیراً ۴ جلد از دایره المعارف بنیادگرایی توسط مارتین مارتی در آمریکا منتشر شده است که حکایت از اهمیت غرب برای این مقولات دارد. در این کتاب علاوه بر بحث پیرامون انقلاب اسلامی، مطالبی درباره بنیادگرایی یهودی/صهیونیستی، بنیادگرایی وهابی، مسیحی و... نیز آمده است.

بعید نیست که قصد حامیان این فعالیت‌ها جلوگیری از نفوذ و گسترش انقلاب اسلامی باشد. به خصوص که دولت آمریکا به شدت این پروژه را دنبال می‌کند.

الاهیات‌رهایی بخش دیگری است که می‌توان در ذیل این دسته قرار داد.

علاوه بر این تأثیر انقلاب اسلامی بر جامعه‌شناسی دین قابل طرح است. در جامعه‌شناسی دین، حوزه‌های بسیاری تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته است. اما مهم‌ترین این زمینه‌ها بحث عرفی شدن است که دورکیم و وبر قبلاً به آن پرداخته‌اند. از نظر این دو جامعه، در فرآیند عقلانی شدن، عناصر اسطوره‌ای و اسرارآمیز را به حاشیه می‌رانند. و به این ترتیب کم‌کم آنها را حذف می‌کنند تا عقلانیت جای آن را بگیرد.

انقلاب‌ها در علم زمانی رخ می‌دهند که این یادداشت‌های اضافی آنقدر اضافه شوند که از نظریه اصلی چاق‌تر شوند یا دیگر نتوانند گره‌ای از کار پنهان آن باز کنند. تنها در این موارد است که شاهد انقلاب‌های علمی هستیم (همانطور که در نظریه نیوتن شاهد بودیم).

این آمیختگی هویت مذهبی و ملی با رژیم‌های گذشته در تضاد است و بر عناصری مانند جامعه مدنی، حاکمیت قانون و مشارکت سیاسی تأکید دارد. در جهان عرب، از جمله خاورمیانه و شمال آفریقا، انقلاب اسلامی جرقه‌های دگرگونی را برانگیخت و به اعتراض‌هایی برای «نان، آزادی و کرامت» منجر شد. تعهد مدرن به دولت استبدادی. مفهوم «انقلاب کرامت» در تونس، با رعایت اصول اسلامی، منجر به ثبت قانونی کرامت انسانی در قانون اساسی تونس شده است و دوره جدیدی از مشروطیت را در جهان عرب رقم می‌زند.

### نتیجه‌گیری

تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، نقش عناصر فکری و فرهنگی به ویژه فرهنگ دینی در ایجاد تحولات انقلابی و تحولات اساسی اجتماعی چندان مورد توجه نظریه پردازان انقلاب قرار نگرفته بود. در پرتو واقعیات انقلاب اسلامی ایران، تحولات چشمگیری در زمینه نظریه پردازان انقلاب رخ داد. ساختارگرایان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران مجبور به اعتراف به نقش فرهنگ و نظام اعتقادی و ایدئولوژی در ایجاد انقلاب‌های اجتماعی شدند و نقشی را به کارگزاران اجتماعی، اراده و آگاهی آنان در ایجاد انقلاب اختصاص دادند. در حالی که این نظریه پردازان قبل از انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌های اجتماعی را ناشی از ساختارهای اجتماعی خاص می‌دانستند که فراتر از آگاهی جامعه و نیروهای اجتماعی بود.

تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، نسل جدیدی از نظریه پردازان انقلاب به وجود آمد که به «نسل چهارم» معروف شد. نظریه پردازان این نسل با توجه به انقلاب ایران و همچنین انقلاب های آمریکای لاتین معتقدند که نظریه های نسل های پیشین نظریه پردازی به ویژه نسل سوم دارای مشکلات و کاستی هایی است که نمی توان از آنها برای تبیین انقلاب های سوم استفاده کرد. جهان - مانند انقلاب ایران، انقلاب نیکاراگوئه و انقلاب السالوادور.

در نتیجه این نظریه پردازان با الهام از انقلاب ایران و برخی از انقلاب های آمریکای لاتین، نظریه های متفاوتی از نسل های پیشین برای تبیین انقلاب ارائه کردند. در این نظریه ها به عنصر فرهنگ در تبیین انقلاب توجه شد، هرچند نقش فرهنگ دینی در ایجاد انقلاب در تحلیل های این نظریه پردازان به دلیل تکیه بر دیدگاه مکتب وابستگی و نظام اقتصادی جهامی، بازتابی از ایجاد توسعه وابسته در جوامع جهان سوم تلقی می شود خواهد بود برخی از متفکران پست مدرن معتقدند که انقلاب اسلامی ایران تحولی است که خارج از چارچوب مدرنیته رخ داده و بر اساس دیدگاه های مدرن قابل تحلیل نیست. این متفکران انقلاب اسلامی ایران را اولین انقلاب پست مدرن در جهان می دانند که فراتر از اشکال و ساختارهای مدرنیته است و روایت مدرنیته برای تبیین آنها کافی نیست. پست مدرنیست ها سعی کردند تحلیل های فرا ساختاری در مورد انقلاب اسلامی ارائه دهند.

در نهایت اینکه تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه های علوم اجتماعی. علاوه بر این که ساختار یک نظام ۲۵۰۰ ساله را ویران کرد و ساختار حکومت و حکومت پادشاهان را به هم زد، میدانی جدی برای آزمایش نظریات رایج و متعارف در علوم اجتماعی بود. ابعاد این انقلاب بسیار گسترده تر از آن چیزی بود که در ابتدا به نظر می رسید. این انقلاب نه تنها محدود به دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک رژیم نبود، بلکه پایه های کاخ رفیع دانش اجتماعی را به لرزه درآورد و علاوه بر آن درس عبرتی برای جنبش های اجتماعی دیگر کشورها و جنبش های آزادی خواهانه بود. در میان مسلمانان نیز توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی را به خود جلب کرد. تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریه های علوم اجتماعی امری است که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته و تامل جدی در آن صورت نگرفته است.

### فهرست منابع

- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: نشر باز.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵). اثر انقلاب ایران در نظریه‌های وقوع انقلابات، پژوهش حقوق عمومی، ۸(۲۱)، ۷-۵۲.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و انقلاب در نظریه‌ها، علوم اجتماعی، ۱۵(۴۳ و ۴۲)، ۲۲۳-۲۶۲.
- <https://rasekhoon.net/article/show/1246934/%D8%A7%D9%86%D9%82%D9>
- <https://hawzah.net/fa/Article/View/>
- <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n122625>